



Educational Strategy of Abu Nasr Muhammad al-Farabi to Establish World Peace

Seyed Mohammadreza Azarkasb^{1✉}  | Nadia Maftouni² 

1. Corresponding Author, PhD student, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: azarkasb@ut.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: nadia.maftouni@ut.ac.ir

Article Info

Article type: Research Article

Article history:

Received 4-Sep-2022

Received in revised form 7-Jan-2023

Accepted 12-Mar-2023

Published online 18-Sep-2023

Keywords:

al-Farabi,
Peace,
Education,
Persuasion,
Imagination,
Cooperation.

ABSTRACT

Various strategies such as legal, economic, political, cultural and even military strategy have been proposed to establish world peace. In this regard, from Abu Nasr Muhammad al-Farabi's works, an educational strategy can be extracted to establish world peace. In his view, teaching elites is carried out using argument and teaching common people uses ways such as rhetoric and poetry, and tactics such as persuasion and imagination. From al-Farabi's point of view, the concept of world peace is not the negative concepts of "non-war" or "non-violence"; Rather, it is a positive concept of "cooperation between virtuous nations to achieve happiness". Al-Farabi's educational strategy for world peace seeks to minimize differences between the simulation of facts in the utopia and to prepare the way for world peace in the utopia by reducing mental animosities.

Cite this article: Azarkasb, S. M., & Maftouni, N. (2023). Educational Strategy of Abu Nasr Muhammad al-Farabi to Establish World Peace. *Philosophy and Kalam*, 56 (1), 9-23. DOI: <https://doi.org/10.22059/jitp.2023.347992.523374>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jitp.2023.347992.523374>

راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی

سید محمدرضا آذرکسب^۱ | نادیا مفتونی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمانامه: azarkasb@ut.ac.ir

۲. دانشیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمانامه: nadia.maftouni@ut.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
راهبردهای گوناگونی مانند راهبرد حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی برای برقراری صلح جهانی مطرح شده است. در این میان، از آثار فارابی نیز می‌توان راهبرد تعلیمی را برای برقراری صلح جهانی استخراج نمود. از دیدگاه وی، تعلیم خواص با استفاده از برهان و تعلیم عوام با صناعاتی مانند خطابه و شعر و راهکارهایی مانند اقناع و تخییل اجرا می‌گردد. مفهوم صلح جهانی از دیدگاه فارابی، مفاهیم سلبی «عدم جنگ» یا «عدم خشونت» نیست؛ بلکه مفهوم ایجابی «تعاون میان امم فاضله برای دستیابی به سعادت» است. راهبرد تعلیمی فارابی در باب صلح جهانی به دنبال این است تا اختلاف میان امم فاضله در محاکات حقایق را به حداقل برساند و با کاهش دشمنی‌های ذهنی، زمینه صلح جهانی در معموره فاضله را فراهم سازد.	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>صلح، تعلیم، اقناع، تخییل، تعاون.</p>

استناد: آذرکسب، سید محمدرضا، و مفتونی، نادیا (۱۴۰۲). راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی. فلسفه و کلام اسلامی، ۵۶ (۱)، ۹-۲۳.

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



DOI: <https://doi.org/10.22059/jstp.2023.347992.523374>

بیان مسئله

صلح جهانی همواره به عنوان یکی از آرمان‌های فلاسفه و اندیشمندان نقاط مختلف جهان مطرح بوده است. نظریات و راهبردهای گوناگونی در طول تاریخ برای برقراری این صلح بیان شده است. در میان آثار فارابی نیز به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی و مهم‌ترین فیلسوف سیاسی اسلامی، مباحث بسیاری وجود دارد که به ارائه راهبردی برای برقراری صلح جهانی کمک می‌کند.

البته باید در بررسی این آثار دو رویکرد را از یکدیگر تفکیک کرد. رویکرد نخست، پرداختن به مطالبی است که فارابی به طور مستقیم و صریح درباره صلح جهانی مطرح کرده است. این مطالب که به صورت پراکنده و عمدتاً در بخش‌های مرتبط با فلسفه سیاسی و مبحث مدینه فاضله و مدن غیرفاضله به چشم می‌خورد، حجم اندکی دارد و ممکن است نتوان از آن به یک راهبرد جامع و قطعی رسید. در بخش پیشینه تحقیق به تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، اشاره خواهد شد و از این رویکرد برای ایضاح مفهوم صلح نزد فارابی استفاده خواهد گشت.

رویکرد دوم، مطالب فارابی در موضوعاتی غیر از صلح جهانی است که بر اساس آن‌ها، می‌توان راهبرد تعلیمی را برای برقراری این امر استنباط نمود. در این رویکرد که می‌توان آن را رویکرد غیرمستقیم یا ضمنی نامید، مطالب فراوانی در آثار فارابی وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، اینکه فارابی چگونه می‌خواست جهان را به صلح برساند یک بحث است و اینکه با استفاده از نظریات فارابی چگونه می‌توان جهان را به صلح رسانید یک بحث دیگر است. ممکن است خود فارابی نظر صریحی در این رابطه نداده باشد، اما بتوان از نظریاتش راهی را برای رسیدن به صلح جهانی ترسیم کرد. در این پژوهش، آثار فارابی در بحث استخراج راهبرد تعلیمی برای برقراری صلح جهانی با رویکرد غیرمستقیم بررسی شده است.

مطلب دیگری که اشاره به آن ضروری به نظر می‌رسد، تفکیک میان آرمانشهر و جهان واقع است. توضیح اینکه بسیاری از فلاسفه در نظریات خود به آرمانشهرهای مد نظرشان اشاره کرده‌اند که نخستین و شاید مشهورترین آن‌ها، آرمانشهر افلاطون است؛ اما این آرمانشهرها لزوماً در جهان واقع قابل پیاده‌سازی نیستند (یا حداقل تاکنون شواهد متقنی از پیاده شدن هیچ یک از آن‌ها در طول تاریخ به دست ما نرسیده است). لذا باید این امر را مد نظر قرار داد که مطالبی که از آثار فارابی در این پژوهش استخراج می‌گردد، صرفاً جنبه ایده‌پردازی و افق‌گشایی دارد و به هیچ وجه نمی‌تواند یکی از نظریات برقراری صلح جهانی در روابط بین‌الملل به شمار آید.

در این پژوهش ابتدا اشاره‌ای به پیشینه تحقیق خواهد شد و پس از آن، راهبردهای گوناگون در برقراری صلح جهانی بیان می‌گردد. سپس، راهبرد تعلیمی فارابی به صورت کلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان، سازوکار تطبیق این راهبرد بر مسئله برقراری صلح جهانی تبیین خواهد شد. به عبارت دیگر، مسئله این پژوهش، چگونگی به‌کارگیری راهبرد تعلیمی فارابی در بحث برقراری صلح

جهانی است. لازم به ذکر است که این مقاله، از رساله دکتری نگارنده با عنوان «چیستی، امکان و راهبرد صلح جهانی از دیدگاه فارابی» که در دست تدوین است، استخراج شده است.

۱- پیشینه تحقیق

هرچند نام فارابی در مجامع علمی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی و مهم‌ترین فیلسوف سیاسی اسلامی مطرح است و پژوهش‌های فراوانی درباره فلسفه سیاسی وی به صورت کلی منتشر شده است؛ اما متأسفانه موضوع صلح در آثار وی چندان که باید مورد پژوهش قرار نگرفته است. بر اساس جستجوهای صورت گرفته، نخستین پژوهش فارسی در زمینه صلح از دیدگاه فارابی توسط مرتضی مدرس‌چهاردهی صورت گرفته است. وی در سال ۱۳۵۳، مقاله کوتاهی به نام «اندیشه صلح از نظر فارابی و فلاسفه غرب» منتشر کرده است که مجموعاً چهار صفحه است و از این میان، تنها یک صفحه را به صلح در اندیشه فارابی اختصاص داده است. وی در این مقاله، فارابی را فیلسوفی صلح‌دوست می‌خواند که به دنبال تشکیل یک حکومت جهانی از به هم پیوستن ملت‌ها و دولت‌هاست (مدرس‌چهاردهی، ۱۳۷۵).

در این رابطه، پژوهش دیگری که به طور مستقل به بحث صلح در دیدگاه فارابی پرداخته باشد، تا پیش از دهه نود شمسی به چشم نمی‌خورد. در این دهه و در سال ۱۳۹۵، مقاله مشترک حمید نساج و مرتضی بحرانی به نام «جنگ و صلح در اندیشه سیاسی فارابی» منتشر شد. هرچند هر دو واژه «جنگ» و «صلح» در عنوان این مقاله آمده‌اند؛ اما این مقاله بیشتر به بحث جنگ از دیدگاه فارابی پرداخته است و بحث صلح، فقط در نتیجه‌گیری آن به چشم می‌خورد. نتیجه مطرح شده در این مقاله این است که از نگاه فارابی، هیچ یک از مقوله‌های جنگ و صلح، به صورت بالذات، نیک یا بد و عادلانه یا ناعادلانه نیستند و جنگ و ناامنی به همان سان که می‌توانند ناعادلانه باشند، می‌توانند از مصداق‌های عدالت نیز به شمار آیند (نساج و بحرانی، ۱۳۹۵).

در سال ۱۳۹۶، محمدحسین جمشیدی مقاله «بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهر صلح) فارابی و نظریه صلح پایدار کانت» را منتشر نمود و در آن ادعا کرد که فارابی، فیلسوفی صلح‌طلب است. اشتباهی در این مقاله نمایان بود، این بود که نگارنده فرض گرفته بود که مدینه مسالمة، یکی از القاب مدینه فاضله است (جمشیدی، ۱۳۹۶)؛ در حالی که فارابی مدینه مسالمة را به عنوان لقب برخی از مدن جاهله ذکر می‌کند (فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها، ۱۳۵۹). امیرحسین امامی کوپایی در مقاله «مدینه مسالمة، فاضله یا جاهله؟ درنگی بر نمونه‌ای از فارابی‌پژوهی معاصر» که در سال ۱۳۹۹ منتشر شد، به تبیین این کج‌فهمی می‌پردازد و بیان می‌کند که صلح‌طلبی اهالی مدینه مسالمة، صلح‌طلبی جاهلانه است؛ زیرا مدینه مسالمة فقط جنگ دفاعی را مجاز می‌داند، در حالی که مدینه فاضله به جنگ هجومی عادلانه نیز اعتقاد دارد (امامی کوپایی، «مدینه مسالمة،

فاضله یا جاهله؟ درنگی بر نمونه‌ای از فارابی‌پژوهی معاصر»، (۱). وی تأکید می‌کند که نظام فلسفی فارابی معطوف به سعادت قصوی شکل گرفته است و جنگ در آن، نقشی کلیدی دارد (همان، ۱۹). در سال ۱۳۹۸، امیرحسین امامی‌کویایی با همکاری سعید عدالت‌نژاد و رضا نجف‌زاده، مقاله‌ای با عنوان «سنجۀ فلسفی جهاد: فارابی» منتشر نمودند که یکی از جامع‌ترین پژوهش‌های فارسی صورت‌گرفته در باب جهاد در دیدگاه فارابی به شمار می‌رود. در این مقاله، نظریات فارابی‌پژوهان درباره «جایگاه جهاد در دیدگاه فارابی» در چهار گروه دسته‌بندی شده است. دسته نخست، دیدگاه رزنتال، باترورث و لمبتن است که فارابی را معتقد به جهاد به معنای فقهی می‌دانستند. دسته دوم، نظریه کرم است که دیدگاه فارابی در بحث جهاد را به «جنگ عادلانه» یونانی نزدیک می‌داند. دسته سوم، دیدگاه اشتراوس، پرنس و محسن مهدی است، که طبق آن، فارابی با جهاد مخالف است؛ اما به خاطر پرهیز از دادن بهانه به فقها برای آزار خویش، دیدگاهش را در میان عبارات خود پنهان کرده است. دسته چهارم، نظریه سویینی است که صلاح‌دید «فیلسوف-شاه» را مجوز آغاز جنگ عنوان می‌کند (امامی‌کویایی و همکاران، «سنجۀ فلسفی جهاد: فارابی»، ۳۸-۳۶).

همان طور که مشاهده شد، آثار مذکور بیش از پرداختن به بحث صلح، بحث جنگ را از دیدگاه فارابی بررسی کرده بودند و آثاری که بر صلح متمرکز شده بودند، دارای مشکلاتی همچون کج‌فهمی یا اختصار بودند. ضمناً همه آثار فوق با رویکرد مستقیم به بحث صلح از دیدگاه فارابی پرداخته بودند و هیچ‌یک به دنبال استخراج راهبردی در برقراری صلح جهانی به روش ضمنی از آثار فارابی نبودند. به این ترتیب، خلأ یک پژوهش مستقل با روش ضمنی در زمینه راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی روشن می‌شود.

۲- راهبردهای گوناگون در برقراری صلح جهانی

اصطلاح "راهبرد" به معنای طرح بلندمدت و کلان برای دستیابی به هدفی خاص به کار می‌رود؛ لذا منظور از راهبرد صلح جهانی، طرحی است که مجموعه اقدامات لازم برای برقراری صلح جهانی در بستر آن واقع می‌شود. اندیشمندان و فیلسوفان در این رابطه، راهبردهای مختلف و گاه متناقضی را مطرح نموده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یکی از راهبردهای موجود در این زمینه، راهبرد حقوقی است. این راهبرد تلاش می‌کند تا از راه افزایش پیمان‌نامه‌های عدم‌تخاصم میان کشورها و الزام کشورها به رعایت قوانین بین‌المللی، به تحقق صلح و امنیت در جهان کمک کند. یکی از شاخص‌ترین فیلسوفانی که در این زمینه نظریه‌پردازی کرده است، ایمانوئل کانت، فیلسوف مشهور آلمانی است. وی در رساله صلح پایدار: یک طرح فلسفی^۱ از لزوم تشکیل مجمع صلح سخن گفته است و آن را محلی تعریف کرده است که کشورهای طرفین اختلاف بتوانند در آن بدون جنگ و از راه مذاکره و با دآوری سایر کشورها، مشکلاتشان را حل کنند

1. *Toward Perpetual Peace: A Philosophical Sketch*

(Kant. 78). وی همچنین به لزوم عادلانه بودن پیمان‌های صلح (Ibid. 67)، به رسمیت شناختن حق استقلال کشورها (Ibid. 68)، جلوگیری از ایجاد ارتش‌های ثابت (Ibid. 69)، جلوگیری از دخالت خارجی در امور داخلی کشورها (Ibid. 70)، جلوگیری از ارتکاب جنایات جنگی در جنگ‌ها (Ibid. 70)، اجبار کشورها به پیروی از قانون (Ibid. 90) و عدم تلاش برای ادغام ملت‌ها و سلطه یک ملت بر ملت‌های دیگر است (Ibid. 91) اشاره کرده است.

راهبرد دیگری که آن نیز در آثار کانت به چشم می‌خورد، راهبرد اقتصادی است. کانت تأکید می‌کند که رشد روحیه تجاری ضامن صلح است؛ زیرا وقتی جنگ به منافع مالی همگان ضرر بزند، کسی به دنبال جنگ نمی‌رود (Ibid. 92). البته وی با قرض گرفتن کشورها از یکدیگر مخالف است، زیرا این امر می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات و بروز جنگ گردد (Ibid. 69).

کانت در کنار دو راهبرد پیشین، به راهبرد سیاسی نیز اشاره می‌کند. از دیدگاه وی، همه حکومت‌ها باید جمهوری باشند؛ زیرا در این حکومت اعلام جنگ سخت‌تر است. علت این امر این است که در حکومت جمهوری، مردم خود باید به جنگ بروند و از مال خود باید برای آن خرج کنند، در حالی که پادشاه خودش نمی‌جنگد و مال شخصی‌اش را نیز در جنگ هزینه نمی‌کند (Ibid. 75). راهبرد سیاسی در دوره حاضر نیز طرفدارانی دارد. امروزه برخی امیدوارند که با گسترش دموکراسی در جهان، صلح پایدار پدید می‌آید؛ زیرا به عقیده این افراد، دموکراسی‌ها با هم نمی‌جنگند (فیالا، ۲۳).

مطلبی که شاید عجیب به نظر برسد، این است که برخی از همین افرادی که از راه گسترش دموکراسی به دنبال صلح هستند، گاهی برای رسیدن به این هدف، راهبرد نظامی را مطرح می‌کنند. این افراد اعتقاد دارند که می‌توان با حمله نظامی یا مداخلات «بشردوستانه»، رژیم‌های دیکتاتوری را با جنگ به دموکراسی تبدیل کرد (همان، ۲۴). برخی از طرفداران این راهبرد، این‌گونه استدلال می‌کنند که دخالت‌های بشردوستانه می‌تواند باعث کاهش نقض حقوق بشر و رنج انسان‌ها شود (همان، ۵۴). البته به این راهبرد از سوی طرفداران صلح انتقادهای زیادی وارد شده است.

راهبرد دیگری که می‌توان برای برقراری صلح جهانی در پیش گرفت، راهبرد فرهنگی است. طرفداران این راهبرد با ابزارهایی همچون رسانه، هنر و تبلیغات به دنبال نهادینه کردن فرهنگ صلح در میان جوامع می‌روند. صلح‌گرایان دگرسازانه که از این دسته‌اند، تلاش می‌کنند تا با اصلاح روندهای تربیتی و فرهنگی، گرایش به جنگ و خشونت در انسان‌ها را کاهش دهند. مسیحیت نیز با نفی اعمال تلافی‌جویانه به دنبال این راهبرد است (همان، ۴۸). کانت نیز معتقد بود که هرچند تفاوت‌های زبانی و مذهبی می‌توانند بهانه جنگ باشند، اما پیشرفت فرهنگی بشر می‌تواند همه ملت‌ها را بر سر اصولی خاص متفق نماید (Kant. 92).

شاید راهبرد تعلیمی (آموزشی) را بتوان زیرمجموعه راهبرد فرهنگی به شمار آورد، اما به جهت اهمیت این راهبرد در آثار فارابی، در این پژوهش به صورت جداگانه بررسی می‌گردد. فارابی مردم را برای رسیدن به سعادت به آموزش و پرورش نیازمند می‌داند. وی بیان می‌کند که مردم برای دستیابی

به سعادت نیازمند آموزش چستی سعادت، آموزش امور لازم رسیدن به سعادت و عمل به امور لازم برای رسیدن به سعادت هستند و تأکید می‌کند که انسان‌ها برای آموزش‌های فوق، نیازمند معلم و برای عمل به مورد سوم، نیازمند انگیزه هستند (همو، السیاسه المدنیه، ۸۶-۸۷). وی از دو راهبرد تعلیمی و تأدیبی برای فضیلت‌مند کردن مدن و امم بهره می‌برد. تعلیم برای ایجاد فضایل نظری از راه قول و تأدیب برای ایجاد فضایل خلقی و عملی از راه قول و فعل است (همو، تحصیل السعاده، ۷۱). هرچند دو راهبرد تعلیمی و تأدیبی برای دستیابی به سعادت (و به تبع آن صلح جهانی) از آثار فارابی قابل استخراج است، اما بررسی راهبرد تأدیبی فارابی در این مختصر نمی‌گنجد؛ لذا در پژوهش حاضر، به بررسی راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی اکتفا خواهد شد.

۳- راهبرد تعلیمی فارابی

فارابی که با لقب "معلم ثانی" شناخته می‌شود، عنایت ویژه‌ای در آثارش به تعلیم و آموزش دارد؛ لذا در این بخش، راهبرد تعلیمی فارابی واکاوی می‌شود. به این منظور، ابتدا کلیت این راهبرد تبیین می‌شود، سپس دو راهکار اقناع و تخییل به عنوان راهکارهای اصلی فارابی در راهبرد تعلیمی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش بعد، تلاش می‌شود تا با استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی، راهی برای برقراری صلح جهانی ترسیم شود.

از دیدگاه فارابی، انسان‌ها برای دستیابی به سعادت، باید از معلم کمک بگیرند. وی امت‌ها و اهالی مدن را به دو دسته عوام و خواص تقسیم می‌کند و عوام را مخاطب اقناع و تخییل و خواص را مخاطب فلسفه می‌داند (همان، ۸۵). فارابی تعلیم علوم نظری را به ائمه و ملوک و کسانی که باید این علوم به آن‌ها به امانت سپرده شود، ضروری می‌داند. وی بیان می‌کند که این افراد باید از کودکی به ترتیبی که افلاطون گفته است، آموزش ببینند و مراتب ریاست‌های جزئی را طی کنند تا به بالاترین مرتبه ریاست برسند (همان، ۷۲). این بخش، همان تعلیم فلسفه به خواص است که به صورت جداگانه توسط حکما و به وسیله برهان انجام می‌شود؛ اما تعلیم عوام با صناعاتی مانند خطابه و شعر و با راهکارهایی مانند اقناع و تخییل اجرا می‌گردد. وظیفه این بخش از تعلیم برعهده طبقه «سخنوران» است که اهالی فرهنگ هستند. توضیح اینکه فارابی در بیان طبقات مدینه فاضله به پنج طبقه افاضل (اشراف)، ذوو الألسنة (سخنوران)، مقدرون (حسابگران)، مجاهدون (رزمندگان) و مالیون (پیشه‌وران) اشاره می‌کند. وی طبقه نخست را شامل حکما و اندیشمندان و طبقه دوم را شامل سخنرانان، مبلغان، شاعران، آهنگسازان و نویسندگان می‌داند (همو، فصول منتزعه، ۶۵-۶۶). اکنون به منظور روشن شدن چستی راهکارهای اقناع و تخییل و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها در برقراری صلح جهانی، قدری در بررسی آن‌ها تأمل می‌کنیم.

۳-۱- راهکار اقناع

نخستین راهکاری که فارابی برای تعلیم جمهور ارائه می‌دهد، راهکار اقناع است. اقناع از ریشه قنع در باب افعال و به معنای قانع کردن مخاطب برای پذیرش مطلب مد نظر گوینده است. فارابی خطابه را وسیله جودت اقناع عنوان می‌کند و جودت اقناع را کاری می‌داند که مخاطب را به تصدیق گوینده بکشاند (همان، ۶۳-۶۲). وی در ابتدای کتاب خطابه، خطابه را صناعتی قیاسی تعریف می‌کند که هدفش اقناع است و قناعت را نوعی ظن و گمان می‌داند (همو، المنطقیات للفارابی، ۴۵۶/۱). از دیدگاه وی، هر اعتقادی که بتواند در عین سلامت ذهن و سلامت مطلب مورد اعتقاد، با اعتقادی مخالف زایل شود، ظن به شمار می‌رود؛ هرچند خود شخص به ظن بودن آن علم نداشته باشد (همان، ۴۶۱/۱). فارابی اعتبار ظن را به جستجو و پیگیری آن تا هنگامی می‌داند که شخص هیچ رأی معاند و مخالف آن ظن را در ذهن خود نیابد. این اعتبار از راه خطابه یا جدل به دست می‌آید (همان، ۴۶۵/۱). بنابراین از ظنی باید برای اقناع استفاده کرد که اعتبارش تأیید شده باشد تا تأثیرش بر مخاطب، دائمی باشد.

فارابی اقناع را مشابه خطابی تعلیم می‌خواند. وی قناعت را نیز مشابه خطابی علم و گوش دادن شنونده به سخنران و تأمل در سخنان وی را مشابه خطابی تعلم عنوان می‌کند (همان، ۴۵۶/۱). فارابی اشاره می‌کند که فلاسفه یونان از خطابه برای تعلیم امور نظری به جمهور بهره می‌بردند. وی خطابه را در کنار تعقل از صنائع ظنونی عنوان می‌کند و تفاوت خطابه با دیگر صنائع را منحصر بودن خطابه به اقناع و عدم امکان استنباط امور از این راه می‌داند. وی خطابه را قابل استفاده برای اقناع در همه موضوعات اعم از امکانی و یقینی بر می‌شمارد (همان، ۴۶۷/۱-۴۶۶). فارابی تأکید می‌کند که اگر افراد بخواهند هم صنفان خود را در مسئله ای قانع سازند، می‌توانند از تعلیم استفاده کنند؛ اما اگر بخواهند صنوف دیگر یا عامه مردم را قانع کنند، باید از خطابه کمک بگیرند؛ زیرا در خطابه از امور مشترک استفاده می‌شود که می‌توان با آن همه مردم را اقناع کرد (همان، ۴۶۷/۱). این مطالب نشان می‌دهد که از دیدگاه فارابی، حتی برای تعلیم امور نظری و یقینی به جمهور مردم باید از خطابه و اقناع بهره برد و نمی‌توان بر برهان تکیه کرد. این امر به ویژه باید در بخش تصدیق گزاره‌هایی رخ دهد که فرد باید به آن‌ها ظن قوی پیدا کند.

در جمع‌بندی بحث اقناع می‌توان گفت که فارابی اقناع را راهکاری می‌داند که در نتیجه آن، شنونده، نسبت به سخن گوینده ظن پیدا می‌کند. وی خطابه را وسیله اقناع می‌خواند و آن را برای تعلیم امور نظری به جمهور مؤثر می‌شمارد. در ادامه به راهکار تخییل به عنوان دیگر راهکار تعلیم جمهور از دیدگاه فارابی خواهیم پرداخت.

۳-۲- راهکار تخییل

دومین راهکار فارابی برای تعلیم عوام، راهکار تخییل است. تخییل از ریشه خیل در باب تفعیل و به معنای نمایاندن امری برای مخاطب است، به گونه‌ای که مخاطب بتواند آن امر را تخیل کند. از دیدگاه فارابی، هر چیزی که نفس آن را تعقل کند، به تخیل آمیخته است (همو، الاعمال الفلسفیه، ۳۹۱)؛ بنابراین این راهکار در تعلیم همه امور عقلی نیز به کار می‌آید. افزون بر این، فارابی بسیاری از اعمال انسان را پیرو تخیلاتش عنوان می‌کند و تأکید می‌کند که انسان تخیلاتش را بر ظن و علم خود ترجیح می‌دهد. به همین سبب، هدف گفتارهای خیالی، تشویق شنونده به انجام یا طلب امور یا دوری از آنها یا ایجاد احساسات مثبت و منفی نسبت به امور است (همو، المنطقیات للفارابی، ۵۰۲/۱-۵۰۳). پس فارابی نه تنها تعقل را جدای از تخیل نمی‌داند، بلکه معتقد است که راهکار تخییل، نسبت به دیگر راهکارهای تعلیم مؤثرتر است.

فارابی جودت تخییل را امری می‌داند که احساسات مخاطب را تحریک کند و وی را وادار به واکنش‌های عملی و احساسی در برابر امر خیالی کند (همو، فصول منتزعه، ۶۳). وی همان‌گونه که خطابه را وسیله اقناع نامیده بود، هدف از سرودن اشعار را تقویت تخییل عنوان می‌کند و به این ترتیب، شعر را نیز وسیله تخییل معرفی می‌کند. وی شعر را به شش دسته تقسیم می‌کند و سه دسته را پسندیده و سه دسته را ناپسند می‌خواند (همان، ۶۴-۶۵). پس در دیدگاه فارابی، تخییل می‌تواند مثبت یا منفی باشد. البته تخییل از نظر فارابی منحصر در شعر نیست و دیگر هنرها همچون موسیقی را نیز در بر می‌گیرد. فارابی در ابتدای رساله فی التناسب و التالیف، اشاره می‌کند که سیاستمداران به خاطر صلاح جهان ناچار شدند تا از مرکب ساختن گفتار، موزون کردن سخن و ایجاد لحن‌ها و ایقاع‌های تقویت‌کننده تخییل استفاده کنند (همو، المنطقیات للفارابی، ۵۰۶/۱). در اینجا مشاهده می‌شود که در کنار اشاره به گفتار مرکب و سخن موزون، از لحن و ایقاع نیز سخن به میان آمده است.

اصطلاحی که فارابی در این بخش، بسیار به کار برده است، اصطلاح "محاکات" است. محاکات در لغت به معنای تقلید و الگوبرداری است و در اصطلاح فلسفی به معنای تصویرگری قوه خیال از صور محسوس یا معانی معقول است. فارابی قولی را که موزون نباشد اما در آن محاکات باشد، قول شعری می‌نامد و محاکات را قوام و جوهر شعر بر می‌شمارد. وی اشاره می‌کند که محاکات در خطابه نیز وجود دارد، اما در شعر بیشتر است؛ لذا معتقد است خطبایی که از شعر استفاده می‌کنند، از خطابه خارج شده‌اند، هر چند بسیاری از مردم این روش را بیشتر می‌پسندند. البته بسیاری از شعرا نیز گفتارهای اقناع‌کننده را به صورت شعر بیان می‌کنند (همان، ۵۰۱/۱). پس محاکات با تخییل و شعر، رابطه‌ای نزدیک و ناگسستنی دارد. بنابراین محاکات را می‌توان ابزاری دانست که در راهکار تخییل برای تعلیم جمهور به کار می‌رود.

از مطالب مطرح شده مشخص شد که فارابی نه تنها تعقل را جدای از تخیل نمی‌داند، بلکه معتقد است که راهکار تخییل، نسبت به راهکارهای دیگر تعلیم مؤثرتر است. همچنین روشن شد که جودت

تخییل یا مهارت نمایاندن امور خیالی به دیگران، نزد وی از اهمیت بالایی برخوردار است. از دیدگاه فارابی، تخییل و شعر می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ هرچند تخییل منحصر در شعر نیست و دیگر هنرها همچون موسیقی را نیز در بر می‌گیرد. اگرچه شعر به علت ذات تمثیلی و تخییلی خود، هیچ‌گاه تماماً با واقعیت مطابق نیست؛ اما همواره نحوه‌ای حکایت‌گری از واقعیت دارد. این حکایت‌گری که محاکات نام دارد، ابزاری است که برای تعلیم جمهور به کار می‌رود. در ادامه به کاربرد راهکارهای مذکور و به طور کلی راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی می‌پردازیم.

۴- راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی

پس از تشریح راهبرد تعلیمی فارابی و راهکارهای آن، نوبت به بررسی چگونگی استفاده از این راهبرد برای برقراری صلح جهانی می‌رسد. به این منظور ابتدا مفهوم صلح جهانی و رویکرد خاص فارابی در این زمینه را تحلیل و بررسی می‌کنیم، سپس مانع برقراری این صلح از دیدگاه فارابی را مورد بحث قرار می‌دهیم و نشان می‌دهیم که این مانع، از خلأ آموزشی ناشی شده است. در پایان این بخش، سازوکار استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی را بر مبنای مقدمات مطرح شده، شرح می‌دهیم.

۴-۱- مفهوم صلح جهانی از دیدگاه فارابی

برای واکاوی مفهوم صلح جهانی از دیدگاه فارابی، ابتدا باید سلبی یا ایجابی بودن مفهوم «صلح» در دیدگاه وی را روشن نمود. منظور از سلبی بودن مفهوم صلح، تعریف آن به صورت «عدم امر متضاد آن» است و مقصود از تعریف ایجابی، تعریف این واژه با به‌کارگیری دیگر مفاهیم نزدیک به آن است. مفهوم صلح را می‌توان به صورت سلبی با مفاهیمی همچون «عدم خشونت»، «عدم کشتار»، «عدم جنگ» و «عدم کشمکش» تعریف کرد (فیالا، ۱۷). بر این اساس، صلح جهانی به معنای عدم موارد فوق در جهان خواهد بود. اما از دیدگاه فارابی، مفهوم سلبی «عدم جنگ»، مفهوم مطلوبی از «صلح» نیست. وی در کتاب فصول منتزعه به یازده گونه جنگ اشاره می‌کند که هرچند چهار مورد آخر را به‌صراحت جنگ‌های ستمگرانه (حروب جور) می‌نامد؛ اما سایر گونه‌های جنگ را در جهت خیر اهل مدینه عنوان می‌کند (همو، فصول منتزعه، ۷۶-۷۸). پس «جنگ» در دیدگاه فارابی، به کلی مطرود نیست و برخی از انواع جنگ، مطلوب به شمار می‌روند.

از دیدگاه فارابی، اساساً مفاهیم سلبی از صلح، مفاهیمی متعلق به مدن جاهله هستند. وی در کتاب آراء اهل المدینة الفاضله در اشاره به عدل از دیدگاه اهالی مدن جاهله که آن را «روابط میان شهرها و ام‌ها» نیز می‌خواند، به انواع عدل در دیدگاه این افراد اشاره می‌کند و عباراتی دارد که بر معنای سلبی «صلح» قابل تطبیق است. وی بیان می‌کند از دیدگاه اهالی مدن جاهله، نوع اول عدل، هنگامی رخ می‌دهد که دو گروه، دارای قدرت مساوی هستند و پس از درگیری‌های مداوم، به این نتیجه می‌رسند که هر یک به سهم خود راضی باشند و آتش بس کنند. آتش بس ناشی از این نوع از

عدل، با قوی شدن یک طرف در برابر دیگری، از بین می‌رود. نوع دوم عدل، هم‌پیمانی دو گروه برای دفع حمله دشمن مشترک خارجی است و نوع سوم عدل نیز هم‌پیمانی دو گروه برای حمله بر گروه‌های دیگر است. این دو نوع از عدل نیز پس از مقاومت در برابر دشمن خارجی یا غلبه بر گروه‌های دیگر به پایان می‌رسند (فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها، ۱۵۲-۱۵۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود، در هر سه نوع مذکور، آتش‌بس و هم‌پیمانی ایجاد شده که مانع از جنگ میان دو گروه شده است، موقتی است و به محض تغییر توازن قوا، از بین می‌رود. همچنین در نوع دوم و نوع سوم، هم‌پیمانی و عدم‌تخاصم ایجاد شده، در حقیقت برای پیروزی در جنگی دیگر است و منجر به صلح جهانی نمی‌گردد. افزون بر این، این دیدگاه‌ها متعلق به اهالی مدن جاهله شمرده شده است، لذا نمی‌توان «صلح» به این معانی را از دیدگاه فارابی مطلوب دانست.

فارابی به این مقدار بسنده نمی‌کند و گروهی از مدن جاهله را «مدن مسالمه» می‌نامد که می‌توان آن‌ها را «شهرهای صلح‌طلب» ترجمه نمود. به روایت وی، اهالی این شهرها قائل به ممنوعیت به‌کارگیری خشونت در میان انسان‌ها و انحصار آن به روابط انسان و حیوان هستند. این افراد، صلح را طبیعی و جنگ را غیرطبیعی می‌دانند. البته این مدن به دفاع از خود می‌پردازند، اما به کسی حمله نمی‌کنند (همان، ۱۵۸-۱۵۹). هرچند فارابی در میان مدن جاهله، اهالی مدن مسالمه را بر اهالی «مدینه تغلب» که ستیره‌جو هستند ترجیح می‌دهد؛ زیرا اهالی مدینه مسالمه را «پاک‌سرشت» سالم و نفوس اهالی مدینه تغلب را «پست‌سرشت» می‌خواند (همان، ۱۶۰)؛ اما هر دو گروه را در دسته مدن جاهله قرار می‌دهد. پس همان‌طور که امامی کوپایی نیز در مقاله خود اشاره کرده است، صلح‌طلبی اهالی مدینه مسالمه، «صلح‌طلبی جاهلان» است؛ زیرا مدینه مسالمه فقط جنگ دفاعی را مجاز می‌داند، در حالی که مدینه فاضله به جنگ هجومی عادلانه نیز اعتقاد دارد (امامی کوپایی، «مدینه مسالمه، فاضله یا جاهله؟ درنگی بر نمونه‌ای از فارابی‌پژوهی معاصر»، ۱۸). بنابراین تعریف مطلوب صلح از نگاه فارابی نمی‌تواند «عدم جنگ»، «عدم خشونت» یا هر تعریف سلبی دیگری باشد.

فارابی اساساً به تعریف صلح تصریح نکرده است، اما می‌توان با رویکرد غیرمستقیم بر اساس عبارات وی، تعریفی ایجابی برای صلح استخراج کرد. جهان آرمانی مدنظر فارابی، «معموره فاضله» نام دارد؛ لذا برای درک مفهوم «صلح جهانی» نزد وی، باید به سخنان وی درباره این جهان آرمانی مراجعه کرد. فارابی در تعریف معموره فاضله می‌گوید: «معموره فاضله آن هنگام تحقق پذیرد که همه امت‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، برای رسیدن به سعادت، تعاون کنند.» (همو، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ۲۵۶) دو نکته کلیدی که در این تعریف به چشم می‌خورد، سعادت‌طلبی و تعاون‌محوری معموره فاضله است. در اینجا باید توجه کرد که «تعاون» در میان همه امت‌های معموره فقط در حالتی رخ می‌دهد که نه تنها از جنگ نظامی میان امت‌ها خبری نباشد، بلکه احساس دشمنی و تصورات خصمانه در ذهن و روان افراد هر امت نسبت به امم دیگر نیز پاک شده باشد. به این ترتیب، باید صلحی فراتر از صلح جاهلان مدن مسالمه، در معموره فاضله برقراری شود تا زمینه‌های شکل‌گیری تعاون و

همکاری مورد نظر فارابی برای دستیابی به سعادت فراهم گردد. این صلح را می‌توان «صلح فاضلانه» نامید و آن را صلح مطلوب فارابی به شمار آورد.

با توجه به مباحث فوق، روشن شد که مفهوم صلح جهانی از دیدگاه فارابی، «عدم جنگ» یا «عدم خشونت» نیست؛ بلکه «تعاون میان امم فاضله برای دستیابی به سعادت» است. فی‌الآ در تعریف صلح ایجابی، مفاهیمی همچون «نظم عادلانه»، «یکپارچگی»، «همبستگی» و «احترام متقابل» را مطرح می‌کند (فیالا، 25)؛ اما استفاده از مفاهیمی همچون «سعادت‌طلبی» و «تعاون‌محوری» در مفهوم صلح را می‌توان نکته‌تازه‌ای دانست که از مباحث فارابی قابل استخراج است. در بخش بعد به مانع برقراری صلح به معنای فوق در معموره فاضله خواهیم پرداخت.

۴-۲- مانع برقراری صلح جهانی از دیدگاه فارابی

یکی از مهم‌ترین عوامل برهم‌خوردن صلح جهانی، تصورات خصمانه‌ای است که میان ملت‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد و آنان را به جنگ با هم تشویق می‌کند. ویلیامز این عامل را این‌گونه شرح می‌دهد: «تنها راه مطمئن برای از بین رفتن تردید سربازان برای کشتن نیروهای طرف مقابل، ترسیم چهره‌ای اهریمنی از دشمن است تا به این ترتیب، نفرت از دشمن نه فقط عیب نباشد، بلکه ضروری به شمار آید (ویلیامز، ۴۲۰)». این تصورات خصمانه می‌تواند ریشه در گمراه‌انگاری ملت‌های دیگر توسط یک ملت داشته باشد. خواجه نصیرالدین طوسی نیز به عنوان یکی از مشهورترین شارحان و پیروان فارابی در حکمت عملی، «اختلاف آراء» را یکی از «اسباب عداوت ارادی» دانسته است (طوسی، ۳۳۶). پس دشمن‌انگاری ناشی از تفاوت‌های فکری میان ملت‌ها می‌تواند مانعی برای برقراری صلح جهانی باشد.

فارابی به این مانع برقراری صلح جهانی اشاره کرده و آن را ریشه‌یابی نموده است. وی در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله پس از بیان عقاید مشترک میان امم فاضله، علت به وجود آمدن تفاوت در برخی از این عقاید را شرح می‌دهد. از دیدگاه وی، این عقاید از دو راه مستقیم و غیرمستقیم شناخته می‌شوند. راه مستقیم، فهم این عقاید به صورت معقول است که مختص حکمای مدینه فاضله و پیروان آنهاست. راه غیرمستقیم، راه تمثیل صور معقول با استفاده از مثال‌های محاکمی آنهاست که عموم جامعه را در بر می‌گیرد. فارابی بیان می‌کند که فاصله این مثال‌ها از صور معقول، متفاوت است؛ لذا هر امتی با مثال‌های خاصی به محاکات حقیقت می‌پردازد و به دین خاصی متدین می‌گردد و بر این اساس، میان اهالی امم فاضله زمینه اختلاف آراء و دشمنی پدید می‌آید؛ در حالی اگر این حقایق برای همه با برهان آشکار می‌شدند، جایی برای عناد نمی‌ماند (فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها، ۱۴۳-۱۴۴). فارابی در کتاب المله نیز تصریح می‌کند که هرچند مثال‌های محاکمی از حقیقت در مدن فاضله با هم تفاوت دارند، اما به شیء واحدی اشاره می‌کنند. وی این تفاوت‌ها را به تفاوت اهل صنایع در صنعت هایشان تشبیه می‌کند و تأکید می‌کند که این تفاوت‌ها نباید موجب دوری و دشمنی شود (همو، کتاب المله ونصوص آخری، ۸۵).

بنابراین از دیدگاه فارابی، عدم توانایی مردم برای فهم برهانی حقایق و اختلاف در محاکبات مطرح شده با راهکارهای اقناع و تخییل، باعث می‌شود تا میان امم فاصله دشمنی ایجاد شود و مانع برقراری صلح جهانی در معموره فاصله می‌گردد. این اختلاف از نقص در تعلیم و تخییل با محاکبات مختلف ناشی شده است، لذا باید در رفع آن نیز از راهبرد تعلیمی یاری گرفت. در بخش بعد، سازوکار استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی برای زدودن این مانع و فراهم کردن زمینه برقراری صلح جهانی را شرح خواهیم داد.

۴-۳- سازوکار استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی در برقراری صلح جهانی

در بخش پیشین روشن شد که تصورات خصمانه امت‌ها نسبت به یکدیگر، مانع برقراری صلح جهانی در معموره فاصله است. همچنین مشخص شد که این تصورات خصمانه، ریشه در اختلاف محاکبات ناشی از اقناع و تخییل دارد. به عبارت دیگر، منشأ خشونت ناشی از تفاوت‌های فکری، آموزش نادرست است. یزدانی در این باره می‌نویسد: «از نظر برخی اندیشمندان، طبیعت انسان‌ها به صلح متمایل است؛ لذا خشونت ریشه در آموزش نادرست دارد که باعث خودخواه و شرور شدن انسان‌ها می‌گردد (Yazdani, 153)». پس برای رفع این مشکل، باید در آموزش و تعلیم، تغییر ایجاد کرد. در اینجاست که می‌توان از راهبرد تعلیمی فارابی بهره برد.

برای بهره‌بردن از راهبرد تعلیمی فارابی، ابتدا باید جایگزین مشترکی برای مثال‌ها و محاکبات گوناگون پیدا کنیم. فارابی به امکان این جایگزینی اشاره کرده است. وی بیان می‌کند که رؤسای مدن و امم وظیفه دارند که مثال‌های فضایل نظری را از طرق اقناعی و تخییلی به عموم مردم بفهمانند. برخی از این مثال‌ها با توجه به هر شهر یا امت، متفاوت و برخی دیگر میان همه مدن و امم مشترک است. تشخیص تفاوت یا اشتراک این مثال‌ها با فضیلت فکری امکان‌پذیر است (همو، تحصیل السعاده، ۷۳). پس هرچند تفاوت در برخی مثال‌های امور نظری در مدن و امم فاصله، ناگزیر است؛ اما برخی مثال‌های مشترک نیز وجود دارد که استفاده از آن‌ها، اختلافات را کاهش می‌دهد و زمینه را برای رفع دشمنی‌هایی که مانع صلح جهانی هستند، فراهم می‌کند.

اکنون به بررسی راه حل مشکل اختلاف محاکبات با استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی می‌پردازیم. فارابی در کتاب السیاسه المدنیة اشاره‌ای به این راه حل می‌کند. وی مشابه بحث ایجاد عناد به علت اختلاف در محاکبات را که در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله مطرح کرده بود، بیان می‌کند و در پایان خاطر نشان می‌کند که اگر چند مثال با هم در کیفیت حکایت‌گری مساوی بودند یا اختلاف اندکی داشتند، فرقی نمی‌کند که کدام به کار رود؛ اما اگر یکی از این مثال‌ها کامل‌تر از دیگران بود و زمینه دشمنی و اختلاف را کم می‌کرد یا به صفر می‌رساند، باید از این مثال استفاده کرد و سایر مثال‌ها را کنار گذاشت (همو، السیاسه المدنیة، ۹۶-۹۸). وی در کتاب تحصیل السعاده نیز تأکید می‌کند که حاکم باید برای فهماندن امور نظری برهانی به جمهور، از آن دسته از مثال‌ات و طرق اقناعی استفاده کند که نزد همه امم مشترک هستند (همو، تحصیل السعاده، ۷۶). به عبارت دیگر، فارابی بر یافتن

زبان مشترک میان همه انسان‌ها، جوامع و فرهنگ‌هایی که سعادت را هدف خود قرار داده‌اند، تأکید می‌کند (مفتونی، ۹۴). این زبان و محاکبات مشترک که با یکسان‌سازی تخییل و اقتناع در میان امت‌ها به دست می‌آید، می‌تواند مبنایی باشد تا اختلافات میان امم مرتفع گردد و صلح جهانی برقرار شود. بنابراین می‌توان با استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی، شرایطی را فراهم کرد که اقتناع و تخییل امم گوناگون با کمترین اختلاف انجام شود و در موارد اختلافی نیز یکی بودن منشأ محاکباتی که عقاید امت‌ها با آن‌ها تصویر شده‌اند، بر ایشان روشن گردد. به این ترتیب، تمایل این افراد به دشمنی با یکدیگر از بین می‌رود و صلح و دوستی و همکاری در میانشان شکل می‌گیرد. از آنجا که رؤسای امم فاضله از طریق برهان به حقایق عقلی دست یافته‌اند، اختلافی میان آن‌ها وجود ندارد و به این ترتیب، جمهور امم نیز با راهبرد مذکور، در صلح با دیگران از رؤسای خود پیروی می‌کنند. پس راهبرد تعلیمی فارابی برای برقراری صلح جهانی، استفاده از محاکبات مشترک میان امم در اجرای اقتناع و تخییل برای جمهور امت‌هاست.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش راهبردهای حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی معرفی گردید و راهبرد تعلیمی (آموزشی) ذیل راهبرد فرهنگی قرار گرفت. سپس ضمن بررسی آثار فارابی با رویکرد غیرمستقیم، راهبرد تعلیمی وی استخراج گشت. در این راهبرد، تعلیم خواص با استفاده از برهان و تعلیم عوام با صناعاتی مانند خطابه و شعر و راهکارهایی مانند اقتناع و تخییل اجرا می‌گردد. همچنین روشن شد که اقتناع به معنای متقاعدسازی مخاطب برای پذیرش مطلب مد نظر گوینده و تخییل به معنای انتقال معانی معقول و صور محسوس به خیال مخاطب با ابزار محاکات است.

در ادامه روشن شد که مفهوم صلح جهانی از دیدگاه فارابی، مفاهیم سلبی «عدم جنگ» یا «عدم خشونت» نیست؛ بلکه مفهوم ایجابی «تعاون میان امم فاضله برای دستیابی به سعادت» است. همچنین مشخص شد که این تعاون و همکاری به دست نمی‌آید، مگر آنکه خصومت‌های ذهنی امم فاضله نسبت به یکدیگر از بین برود. ریشه این خصومت‌ها نیز در عدم توانایی مردم برای فهم برهانی حقایق و اختلاف در محاکبات مطرح شده با راهکارهای اقتناع و تخییل ارزیابی شد؛ لذا سازوکار استفاده از راهبرد تعلیمی فارابی برای زدودن خصومت‌های مانع برقراری صلح جهانی، این‌گونه بیان شد که معلمان و مجریان امر اقتناع و تخییل، تا حد امکان از مثال‌ها و محاکبات مشترک استفاده کنند تا تصورات امم فاضله نسبت به یکدیگر، کمترین اختلاف را داشته باشد و به این ترتیب، امت‌های فاضله یکدیگر را گمراه ندانند و دشمنی‌های ذهنی میانشان از بین برود و در معموره فاضله، صلح حاکم شود. لازم به ذکر است که راهبرد تعلیمی فارابی برای دستیابی به سعادت در آثار وی به ویژه کتاب تحصیل السعاده بیان شده است؛ اما نوآوری مقاله حاضر، به کار بردن این راهبرد تعلیمی برای دستیابی

به صلح جهانی سعادت طلبانه و تعاون محور در معموره فاضله است؛ صلحی که زمینه را برای دستیابی اهالی این معموره به سعادت فراهم می‌کند.

شاید به نظر برسد که این دیدگاه به «جهانی‌سازی» نزدیک است، زیرا به دنبال یکسان‌سازی تصورات امت‌های گوناگون است؛ اما باید توجه داشت که این دیدگاه برای معموره فاضله بیان شده است که ریاست امت‌ها در آن برعهده رؤسای فاضل است. البته مقایسه این دیدگاه فارابی با «جهانی‌سازی»، بحث مفصلی است که در این مقال نمی‌گنجد و خود، می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

در این پژوهش راهبرد تعلیمی فارابی تبیین شد و چگونگی استفاده از آن در برقراری صلح جهانی روشن گشت، اما می‌توان این راهبرد را که در اصل برای دستیابی به سعادت مطرح شده است، در دیگر مسائل و موضوعات نیز به کار برد. همچنین بررسی مقایسه‌ای این راهبرد با بحث «جهانی‌سازی» که در دوران معاصر پررنگ شده است، می‌تواند موضوع یک پژوهش مستقل باشد. زمینه دیگر پژوهش، بررسی راهبرد تأدیبی فارابی است که ارتباط تنگاتنگی با راهبرد تعلیمی وی دارد و آن نیز اساساً برای دستیابی به سعادت مطرح شده است. همچنین هرچند نام فارابی به عنوان بارزترین فیلسوف سیاسی اسلامی مطرح است، اما می‌توان آثار فلاسفه و اندیشمندان مسلمان دیگر مانند خواجه نصیرالدین طوسی را که در زمینه حکمت عملی سخن گفته‌اند، بررسی کرد و با رویکرد مستقیم یا ضمنی، راهبردهایی را از دیدگاه آنان در برقراری صلح جهانی استخراج نمود. بررسی‌های تطبیقی دیدگاه فارابی با دیگر فلاسفه اسلامی و غربی (در صورت هم‌افق بودن) نیز می‌تواند ایده مناسبی برای پژوهش‌های بعدی باشد.

منابع

۱. امامی کوپایی، امیرحسین؛ مدینه مسالمة، فاضله یا جاهله؟ درنگی بر نمونه‌ای از فارابی‌پژوهی معاصر؛ فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام؛ دوره هفتم، شماره ۲۳، فروردین ۱۳۹۹.
۲. امامی کوپایی، امیرحسین و همکاران؛ سنجة فلسفی جهاد: فارابی؛ تاریخ و تمدن اسلامی؛ سال پانزدهم، شماره ۳۰، اسفند ۱۳۹۸.
۳. جمشیدی، محمدحسین؛ بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهر صلح) فارابی و نظریه صلح پایدار کانت؛ جستارهای سیاسی معاصر؛ سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶.
۴. طوسی، نصیرالدین محمدبن محمد، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، خوارزمی، چاپ هشتم، ۱۳۹۹.
۵. فارابی، ابونصر محمدبن محمد؛ آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها؛ مقدمه و شرح و تعلیق از علی بوملحم، بیروت، مکتبة الهلال، ۱۹۹۵ م.

۶. —. الاعمال الفلسفیه؛ مقدمه و تحقیق و تعلیق از جعفر آل یاسین، بیروت، دار المناهل، ۱۴۱۳ ه.ق.
۷. —. السیاسه المدنیة؛ مقدمه و شرح و تعلیق از علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۹۹۶ م.
۸. —. المنطقیات للفارابی؛ مقدمه و تحقیق از محمدتقی دانش پژوه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ ه.ق.
۹. —. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله؛ ترجمه و شرح سیدجعفر سجادی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.
۱۰. —. کتاب المله ونصوص آخری؛ مقدمه و تحقیق و تعلیق از محسن مهدی، بیروت، دار المشرق، چاپ دوم، ۱۹۹۱ م.
۱۱. —. تحصیل السعاده؛ مقدمه و شرح و تعلیق از علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۹۹۵ م.
۱۲. —. فصول منتزعه؛ تحقیق و تصحیح و تعلیق از فوزی نجار، تهران، الزهراء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۳. فیالا، اندرو؛ صلح گرایی؛ ترجمه مریم هاشمیان، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۵.
۱۴. مدرسی چهاردهی، مرتضی؛ اندیشه صلح از نظر فارابی و فلاسفه غرب؛ وحید؛ سال دوازدهم، شماره ۱۳۲، آذر ۱۳۵۳.
۱۵. مفتونی، نادیا؛ هنر فاضله، مبانی، مؤلفه‌ها و الگوها؛ قم، مدرسه اسلامی هنر، ۱۳۹۷.
۱۶. نساج، حمید؛ مرتضی بحرانی؛ جنگ و صلح در اندیشه سیاسی فارابی؛ پژوهش‌های دفاع امنیتی اسلام؛ سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۱۷. ویلیامز، کری؛ جنگ عادلانه چیست؟؛ ترجمه یاسر روستایی، در دانشنامه جنگ و صلح، ج ۲، تهران، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۹۸.
18. Kant, Immanuel, *Toward Perpetual Peace and Other Writings on Politics, Peace, and History*; edited and with an introduction by Pauline Kleingeld; translated by David L. Colclasure, New Haven and London, Yale University Press, 2006.
19. Yazdani, Abbas, "The Culture of Peace and Religious Tolerance from an Islamic Perspective." *Veritas. Revista de Filosofía y Teología (Journal of Philosophy and Theology)*, N.47, Autumn 2020 .P.151 – 168.